

انجمن تربیتی ایران و آمریکا (۱۹۱۲-۱۹۱۰)

مسعود کوهستانی نژاد

مقدمه

در آرشیو اسناد مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی و در بخش عرایض دوره دوم مجلس شورای ملی و در چارچوب سیاست خارجی ایران، ۵ سند (شامل مجموعاً ۱۷ برگ) وجود دارد که در مورد انجمن تربیتی ایران و آمریکا می‌باشند. منشأ مجموعه اسناد مورد بحث، نامه‌ای است که در ۳۰ ژون ۱۹۱۰ (۹ تیر ۱۲۸۹/ اواسط جمادی‌الثانی ۱۳۲۸ قمری) شخصی به نام احمدسهراب اصفهانی با عنوان خزانه‌دار انجمن تربیتی ایران و آمریکا به رئیس مجلس شورای ملی می‌نویسد. او در ضمن نامه مفصلش، نقطه نظراتش در رابطه با وضعیت آن زمان ایران، وضعیت دنیا و روابط کشورها با یکدیگر را بیان داشته و در ادامه نامه خبر می‌دهد عده‌ای از آمریکائی‌ها با هدف تعمیم روابط ایران و آمریکا، انجمن با عنوان انجمن تربیتی ایران و آمریکا تشکیل داده‌اند که فعالیت آن بر مبنای امور فرهنگی و آموزشی استوار است. نویسنده نامه پس از بیان اهداف و کارکرد انجمن مزبور، اعلام می‌کند بنیانگذاران آن انجمن برای گسترش هر چه بیشتر فعالیت خود و دستیابی به افق‌های جدیدتری در روابط ایران و آمریکا، قصد دارند اهداف و اساسنامه انجمن تربیتی را تغییر داده و آن را به عنوان جدیدتر انجمن روابط شرق و غرب تبدیل نمایند تا از این طریق فعالیت خود را وسیع‌تر نمایند.

زمان وصول نامه احمد سهراب به مجلس نامشخص است ولی به فاصله زمانی حدود نه ماه بعد در ربیع‌الاول ۱۳۲۹ قمری مجلس شورای ملی با ارسال نامه مورد بحث به وزارت امور خارجه، درخواست تحقیق پیرامون آن انجمن و اعلام نظر وزارتخانه مزبور در مورد فعالیت انجمن تربیتی و اعضایش را می‌کند. در پیگیری این درخواست، موضوع از علی‌قلی خان نبیل‌الدوله شارژ‌دافر ایران در واشنگتن استعلام شد. در پاسخ، علی‌قلی خان ضمن معرفی انجمن و کارکرد آن، رهنمودی را برای پاسخ، مجلس شورای ملی

به نام احمد سهراب اصفهانی ارائه داد. این رهنمود که با تأیید وزارت خارجه همراه بود به مجلس منعکس و مجلس نیز بر همان اساس، پاسخی به درخواست احمدسهراب داد.

فرآیند مزبور در بادی امر می‌تواند یکی از ده‌ها و صدها مورد مشابهی باشد که در کمیسیون عرایض دوره دوم مجلس و یا دیگر ادوار مجلس اتفاق افتاده است ولی آنچه در نامه‌های مورد بحث به آن اشاره شده فعالیت انجمنی است که حاصل تلاش سازمان یافته محافل بهائی آمریکا برای تأثیرگذاری بر روابط ایران و آمریکا در آن زمان بود. خوشبختانه در روابط با انجمن مزبور، علاوه بر اسناد مذکور، گزارش‌های مستندی نیز وجود دارد. همچنین می‌توان اشاراتی که در برخی از منابع و مقالات به آن انجمن می‌شود را نیز مورد توجه قرار داد. در مجموع وجود چنین مجموعه امکان ایجاد یک تصویر نسبتاً شفاف را از کلیات فعالیت آن انجمن فراهم می‌کند و مقاله حاضر در صدد ارائه چنین تصویری است.

متن

شروع به کار انجمن

نخستین گزارش موجود از فعالیت انجمن تربیتی ایران و آمریکا در جریده فارسی زبان چهره‌نما که در آن هنگام در مصر انتشار می‌یافت، چاپ شده، وقایع نگار جریده چهره‌نما در گزارشی که در شماره مورخ ۱۵ ربیع‌الاول ۱۳۲۸ قمری آن جریده به چاپ رسید نکات با ارزشی را در ارتباط با تأسیس انجمن تربیتی بیان می‌کند. او نخست از دیداری که با آقای سیدنی اسپریک آمریکائی در شهر شیکاگو داشت یاد کرد. وقایع نگار مزبور در شرح دیدار خود می‌گوید: «با جناب مستر سیدنی اسپریک که دو سال معلم مدرسه تربیت در تهران بود، شرحی از احتیاجات وقت ایران صحبت نمودم. ایشان دلسوزانه حسرت می‌خورد که نه راه کمکی مفتوح و نه شاهره تأییدی باز. [وقایع نگار می‌افزاید:] بنده که چندی است با مردم آمریکا آمیزشی دارم می‌دانم تا چه درجه مردم آمریکا نوع دوست و انسان پرست و ترقی خواه هستند و اگر واسطه امینی و انجمن محکمی باشد البته می‌توان کمک فعلی و تأیید عملی نمود و بدین واسطه رسمی خدمات عملیه به ایران نمود.»

سپس وقایع نگار در ادامه گزارش، از ملاقاتی که با یکی از دوستان ایرانی‌اش کرده و ایده خود را با وی در میان گذاشته بود یاد کرد. این دوست او کسی نبود جز آقا میرزا احمد، عالم متمدن که اصلاً اصفهانی می‌باشد.^۲ او همان احمدسهراب اصفهانی است که ادامه کار بر دوش او قرار گرفت. وقایع نگار چهره‌نما همچنین گزارش کاملی از چگونگی تأسیس و زمان شروع به کار انجمن تربیتی ایران و آمریکا ارائه می‌دهد. در شرح مزبور که نحوه شکل‌گیری انجمن را به دقت بیان می‌دارد، می‌خوانیم: «آقا میرزا احمد] دامن همت به کمر زدند و جمعی را به دولت‌سرای خود دعوت کردند که قریب به سی نفر بوده و خطابه‌ها به زبانهای مختلف خواندند. مقدمتاً محض رسمی نمودن انجمن و برحسب قوانین جمهوری، حضاری که

۱. جریده چهره‌نما، ش ۶ س ۷، ۱۵ ربیع‌الاول ۱۳۲۸ قمری، ص ۱۰.

۲. همان.

بودند (مستر فرد.ژ. و دوادرا) که یکی از معماران معتبر حکومتی است رئیس و (میس لوئیز شومن) را [به عنوان] منشی انتخاب کردند و بعد حضار عقاید خود را اظهار داشتند و همگی متحد در احداث چنین انجمنی شدند. پس از آن از این جمع چند نفر را منتخب کردند برای نوشتن نظام‌نامه و در ظرف یک ماه، هفته‌ای یک بار باز مجلس می‌شد از اعضاء منتخبین تا اتمام نظام‌نامه.

کمیته چهارده سواد برای چهارده نفر از وکلای پارلمان و فلاسفه قانون و روسای کلیات آمریکا فرستاد که هر یک آن اوراق را دیده و تصحیح نمایند. پس از دو سه هفته جوابها رسید که هر یک برخی مواد مفیده و نکات پسندیده نوشته و منضم کرده بودند. باز مجدداً همه را مرتب و دوباره چاپ و به خدمت همه فرستادند و در ملاحظه [بعدی آنها] تجدید [نظر] و تصحیح نموده و عودت دادند و این انجمن را موسوم به (انجمن تربیتی ایران و آمریکا) گذاردند.

چون مقدمات تمام شد مخدره نوع خواه (میس آلبرت کیلفورد بارتی) که یکی از زنان با علم دانای شهیر این شهره و فیلاترپ و از نقاشان ماهر آمریکا است، مصارف طبع اوراق دعوت و اوراق انجمن و نظام‌نامه و قبوض و غیره را مستفسر [شده و] پس از اطلاع، مبلغ یک صد و ده دلار (صد و ده تومان) فوری از جیب فتوت دادند. [پس از آن] اوراق نظام نامه چاپ شد و مجدداً اعضاء حاضر شدند و برای دعوت عمومی رای دادند که شب هشتم (ژانویه) [۱۹۱۰] وعده خواهی شود.

تا شب هشتم رسید و آن شب سیصد نفر از مرد و زن آمریکا که همه از مردمان محترم و افسرهای بزرگ بودند، حاضر شدند. پس از اجتماع، انتخاب عمومی به قرار ذیل گردید:

رئیس: مستر ویلیام هور تاجر معتبر در نیویورک

نایب رئیس اول: مستر هوارد ریساید

نایب رئیس دوم: مستر هنری کلیتن توسن مصنف و فیلسوف شهیر شیکاگو^۱

نایب رئیس سوم: میس آلبرت کیلفورد بارتی، فیلاترپ و نقاش مشهور واشنگتن

نایب رئیس چهارم: مستر شالرز مامن ریمی، معمار معتبر و سیاح و پسر امیرالبحر آمریکا

دفتردار: میس لوئیز شومن، یکی از منشیان اداره حکومتی حفظ حقوق مخترعین

منشی: مستر ژوزف هنن، رئیس یکی از دواخانه‌های آمریکا

نایب منشی: میس جولیت زیمرن، معلم فیزیک و کیمیا در مدرسه رشدیه واشنگتن

خزانه‌دار:^۲ میرزا احمدسهراب اصفهانی

کتابدار: میس کلودیا استوارت کولز، یکی از منشیان بزرگ اداره جنگ^۳

و در رابطه با اعضاء انجمن تربیتی ایران و آمریکا، سیدعلی موجانی می‌نویسد: اسامی اعضای هیأت مدیره انجمن چنین بوده است: ویلیام هورفانوود، هوارد ریساد، هنری تامپسون، آلبرت بارنی، چارلز ماس رمی،

۱. در اصل: شیکاگو.

۲. در اصل: خزینه‌دار.

۳. همان، صص ۱۰ و ۱۱.

لوئیز شرم، هانن، ژولیت زیمرمن، احمدسهراب، کلود یواستوارت کولز. از میان اعضای یاد شده میرزا احمدخان سهراب [اصفهانی] بعدها پس از مرگ چهارمین رهبر بهایی شوقی افتدی، انشعابی را در فرقه بهایی ایجاد کرد و فرقه‌ای را در آمریکا پدید آورد و به سهرابیان موسوم هستند. شخص دیگر یعنی ماسن رمی که شوقی افتدی او را ولی امر نامیده بود جزء اعضای بیت‌العدل اعظم یا هیات بین‌المللی بهایی‌ها قرار داشت.^۱

در ادامه گزارش وقایع‌نگار چهره‌نما آمده است:

"آن محفل بزرگ در کمال خوبی و آراستگی افتتاح یافت. اما افسوس که در این انجمن بزرگ از جنس ایرانی یک نفر بیش نبود.

حالیه موضوع و مقصود از احداث (انجمن تربیتی ایران و آمریکا) فقط توسعه و معاونت به مدارس ایلام ایران است. در این شب (مترچالزرسل) سفیر آمریکا به تهران که تازه برای سفارت ایران منتخب شده‌اند با دختر خود و نماینده دولت ایران

وقایع‌نگاران تمام جراید حاضر بودند. (این هم بگویم پس از معزولی ممتازالملک از سفارت آمریکا تا کنون سفیری از ایران نیامده)^۲

گزارش دقیق فوق، امکان زمان‌یابی شروع به کار تأسیس انجمن تربیتی ایران و آمریکا را فراهم می‌کند. همان‌گونه که در گزارش فوق آمده شب هشتم ژانویه ۱۹۱۰، زمان تأسیس رسمی انجمن بود. آن تاریخ برابر با ۸ دی ۱۲۸۸ شمسی و برابر با ۹ ذی‌حجه ۱۳۲۷ قمری است. حال با دقت در سطور گزارش مورد بحث آشکار خواهد شد که حداقل پنج تا شش ماه قبل از آن صرف تدارک متن نظام‌نامه انجمن، ایجاد هماهنگی‌های لازم برای گردهمایی و... شده است بنابراین می‌باید نخستین نقطه شروع تشکیل انجمن تربیتی ایران و آمریکا را به حدود اواسط سال ۱۹۰۹ و حدود ۱۹۰۹ و حدود تیرماه ۱۲۸۸ و حدود جمادى الثانی ۱۳۲۷ قمری عقب برد احتمالاً با پیروزی مشروطه‌طلبان و اعاده مشروطیت در ایران (جمادى الثانی ۱۳۲۷ قمری) انگیزه‌های برای احمد سهراب اصفهانی و نیز آمریکائی‌های ایران دوست به وجود آورد تا برای تشکیل انجمنی جهت ارتباط با ایران تشکیل دهند. بدون تردید وقایع ماههای بعد در ایران (فعالیت هیأت مدیره، درگیری با مخالفین و اشرار در ایران، فشار روس‌ها و انگلیس‌ها و... سبب پر رنگ شدن هر چه بیشتر انگیزه دست‌انکاران تأسیس انجمن، برای اقدام خود شد.

خبر تأسیس انجمن تربیتی ایران و آمریکا با تأخیر حدود سه ماهه، برای نخستین بار در شماره ۵ مورخ اول ربیع‌الاول ۱۳۲۸ قمری جریده چهره نما به چاپ رسید.^۳ یک ماه بعد از آن در شماره مورخ اول

۱. سیدعلی موجانی، بررسی مناسبات ایران و آمریکا (۱۸۵۱-۱۹۲۵) تهران، چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، چاپ دوم،

۱۳۸۴، صص ۱۵۰-۱۴۹

۲. جریده چهره‌نما، همان، ص ۱۱.

۳. همان، ش ۵، ص ۷، اول ربیع‌الاول ۱۳۲۸ قمری، ص ۱۳.

ربیع‌الثانی ۱۳۲۸ قمری هفته نامه جبل‌المتین کلکته، گزارش مفصل فوق‌الذکر چاپ شد^۱ ولی نکته جالب این است که در انتهای گزارش چاپ شده در جبل‌المتین، نام احمدسهراب اصفهانی به چشم می‌خورد. ولی در گزارش چاپ شده در جریده چهره نما، چنین چیزی وجود ندارد. علاوه بر آن گزارش چهره نما، حاوی اضافاتی در انتهای آن است که این اضافات بعداً برای مدیر جریده چهره‌نما در دسر ساز شد و در قسمت‌های بعدی از آن سخن خواهیم گفت.

باز گردیم به نخستین خبر تأسیس انجمن که در شماره مورخ اول ربیع‌الاول ۱۳۲۸ قمری (برابر با اول حمل ۱۲۸۹ شمسی، ۲۱ مارس ۱۹۱۰ میلادی) به چاپ رسید. در پایان آن خبر، جریده چهره‌نما، سپاس و تشکر خود را از مستر ویلیم هور رئیس محترم انجمن مذکور اعلام می‌دارد.

ادامه فعالیت

گزارش بعدی از اقدامات انجمن، متن نسبتاً کوتاهی است که احتمالاً در پایان سومین ماه فعالیت آن، (اواسط آوریل ۱۹۱۰) نوشته شد. در آن گزارش می‌خوانیم: «از افتتاح (انجمن تربیتی ایران و آمریکا) سه ماه پیش نگذشته که تا به حال چهل نفر داوطلب گشته‌اند که هر نفری یک طفل یتیم ایرانی را در مدرسه (تربیت) [در هر] سال [با پرداخت] هجده دلار (تومان) نگاهداری نمایند. اسامی این چهل نفر با یک برات سیصد تومانی نزد جناب (مستر اسپرینگ) ارسال شده که به کمک هیأت مدرسه تربیت، اطفال یتیم را منتخب نموده و به تحصیلشان وا دارند و عکس آنها را برداشته و از تهران به آمریکا بفرستند. [همچنین] یکی از مخدرات معارف خواه آمریکا قرار گزارده که وجهی بدهد تا یک مدرسه عالی به وضع آمریکا در تهران بنا کنند.»^۲

در اینجا است که ارتباط انجمن تربیتی ایران و آمریکا با مدرسه تربیت در تهران معلوم می‌شود. مدرسه تربیت وابسته به بهائئ‌های تهران بوده که در سال ۱۳۲۱ قمری شاخه پسرانه آن و در سال ۱۳۲۹ قمری شاخه دخترانه آن در تهران متشکل می‌شود.^۳

به هر روی به نظر می‌رسد چاپ گزارش‌هایی از انجمن تربیتی ایران و آمریکا در جریده چهره‌نما مصر، باعث خشمگینی یکی از خوانندگان ایرانی آن مجله که در کشورهای مختلف، و به ویژه در ایران مخاطبین فراوانی داشت، گردید. آن خواننده در یادداشتی به عنوان «تمدن دروغی یا وحشی‌گری واقعی آمریکا» ضمن ارائه تحلیل پیرامون قتل یک سرخپوست (به اتهام کشتن یک زن سفید پوست) و آتش زدن او در نیویورک، نوشت: «اهالی اروپا و آمریکا تاکنون هر خدمتی کرده‌اند فقط در دایره خودشان بوده و محض هم‌کیشان و هم‌خاکان خودشان بوده. مرحمت و شفقت و انسانیت هر چه کرده‌اند در دایره خودشان و به

۱. هفته نامه جبل‌المتین کلکته، ش ۳۷، س ۱۷، اول ربیع‌الثانی ۱۳۲۸، صص ۱۹-۲۱.

۲. جریده چهره نما، ش ۱۱، س ۷، غره جمادی‌الاول ۱۳۲۸ قمری، صص ۱۵ و ۱۶.

۳. کریم منفرد، بهائیت پیشگام در ترویج فرهنگ آمریکایی در ایران، فصلنامه تاریخ معاصر، ش ۵۰، س ۱۳، تأسیسان ۱۳۸۸، صص ۶۶-۶۸.

خودشان بوده و اگر پای یک نفر آسیائی در میان آمد و با او هم معامله‌ای به مثل معامله با خودشان کردند آن وقت آنها را می‌توان گفت متمدن واقعی و نوع خواه مسلم.»

در پایان یادداشت مزبور، خواننده معترض «صفحات چهره نما» که «دایم از مراتب نوع خواهی و انسانیت نوازی اهالی آمریکا شرح نگاشته»، شده و خطاب به ایرانیان نموده و می‌نویسد: «ای هم‌وطنان گرام ذره‌ای به هوش آئید اندکی که به حال اخلاف و اعقاب خود رحم کنید. نیویورک که مبداء تمدن و اهالی آمریکا که متمدن‌ترین مردم عالم به حسابند با ملتی که مغلوب شده و زیردست افتاده ببینند چه رفتار می‌کنند؛ قدری عبرت گرفته و غیرت کنید. همت نمائید و خاک وطن را از اجانب پاک نمائید.»^۱

چاپ یادداشت اعتراضیه مزبور مانع از این نشد که سه ماه بعد، گزارش دیگری از عملکرد انجمن تربیتی ایران و آمریکا در جریده چهره نما، چاپ شود. گزارش مزبور به قلم احمدسهراب اصفهانی بوده که در پایان ماه ششم فعالیت رسمی آن انجمن (یعنی در پایان ماه ژون ۱۹۱۰ / جمادی‌الاول ۱۳۲۸ قمری / تیر ۱۲۸۹ شمسی) تنظیم شده است. به عبارت دیگر گزارش مزبور عملکرد شش ماهه انجمن تربیتی را ارائه می‌کند.^۲ در ابتدای گزارش، احمدسهراب از آمریکا تمجید کرده و آن کشور را فاقد اهداف استعماری در کشورهای دیگر معرفی می‌کند. در ادامه گزارش او می‌خوانیم: «باری قریب به شش ماه است که انجمن تربیتی ایران و آمریکا به تأییدات الهیه تأسیس گردیده و در این مدت ترقی و پیشرفت آن بسیار قابل ملاحظه است و بهترین دلیل وجود آن است و این ترقی و پیشرفت مؤسسين و هیأت و اعضاء موجود آن را خیلی قوت قلب داده و در فکر انجام خدمات بزرگ افتاده‌اند که انشاءالله آثار آن بزودی ظاهر و هویدا خواهد گشت و امید چنان است که به خدمات شایان [به] ملت ایران موفق گردند.

در این قلیل مدت، عدد اعضای این انجمن (که هر یک مبلغ هیجده تومان برای تربیت طفل فقیر یا یتیم در مدارس ایران می‌دهند) به پنجاه نفر رسیده و دخل انجمن از هزار تومان بالاتر رفته است. غرابت در اینجاست که هر یک از این نفوس محترمه آمریکائی، از شهری یا ولایتی است که هزاران فرسنگ از هم دور است. مثلاً از (کالیفرنیا) و (سیاتل) که قریب به چهار هزار مایل از واشنگتن دور است این انجمن برای تربیت اطفال ایران، وجه دریافت نموده و انشاءالله در آخر سال [فعالیت نخست انجمن] اسماء اعضاء و شهرهای آنها و دخل و خرجی را قلم به قلم محض اطلاع ایرانیان به جهت طبع در جریده محترمه خواهیم فرستاد ولی تا به حال فهرست اسماء را با دو قبض بانک که یکی سیصد تومان و یکی دویست تومان باشد نزد اولیای مدرسه (تربیت) تهران فرستاده که شاگردان محقر را انتخاب نموده و در مدرسه به تحصیل مشغول دارند.

مسئله دیگر آنکه یکی از قوانین نظام‌نامه این انجمن این است که کتب و صحف علمی و فنی و تاریخی و علمی و غیره و جراید و مجلدات هفتگی و ماهیانه دائماً جمع نموده و به اداره مدرسه تربیت بفرستند و الحمدالله تا به حال عده نفوسی از نیک سیرتان داوطلب گشته که کتب و مجلدات فرستاده و بفرستند و این

۱. همان، ش ۱۳، س ۷، غره جمادی‌الثانی ۱۳۲۸ قمری، صص ۱۲ و ۱۳.

۲. همان، ش ۱۷، س ۷، اول رمضان ۱۳۲۸ قمری، ۵-۶.

مسئله را بسیار اهمیت بدهند به نحوی که هفته‌ای نمی‌گذرد که کتب و مجلدات نفیسه بسیار مفید با بسته ارسال نگردد و این مسلک همیشه پیروی خواهد شد و حتی به کتاب‌هایی که از این اداره و رأساً فرستاده می‌شود کفایت نموده و اعلانی چاپی به اطراف آمریکا فرستاده که هر کس طالب چنین خدمتی است کتب و مجلدات را یکسره بفرستد. مثلاً یکی از زنان محترمه دو سه ماه قبل یک صندوق کتب بسیار مفید به این اداره فرستاد و آن کتب را محض آنکه زودتر برسد، بسته بسته با پست در ظرف چند هفته ارسال تهران شد. به این وسیله در اندک مدتی مدرسه تربیت دارای کتابخانه و قرائت‌خانه معتبری خواهد شد و همه گونه جراید و مجلدات مصوره دارا خواهد بود تا عموم به آنجا رفته و مستفیض بشوند. حتی از دوستان بلاد فرانسه استدعا شده که کتب و مجلدات فرانسوی خود را ارسال به تهران به مدرسه (تربیت) بنمایند.^۱

ایده تشکیل انجمن ارتباط شرق و غرب

به نظر می‌رسد پس ارسال گزارش عملکرد شش ماهه اول انجمن تربیتی ایران و آمریکا، فعالیت این انجمن دچار مشکلی شده باشد زیرا پس از آن تا ماههای بعد، گزارش دیگری از عملکرد این انجمن در جریده چهره‌نما چاپ نشد؛ تنها در شماره مورخ ۱۰ شوال ۱۳۲۸ قمری آن جریده، نامه‌ای از «بنده ملت احمدسهراب خزینهدار انجمن تربیتی ایران و آمریکا» به چاپ رسید که طی آن او ایده اعزام کمیسیون رسمی از ایرانی‌های دانا به آمریکا تا از سوی مجلس ملی دولت علیه ایران را مطرح می‌کند.^۲

تا اینکه در شماره مورخ اول ربیع‌الاول ۱۳۲۹ قمری، گزارشی با عنوان مکتوب یکی از وطنخواهان غیور از آمریکا چاپ شد. در این گزارش بدون امضاء، پس از شرح وضعیت اسفبار و تلاطمات سیاسی ایران نوشته شده است: «در این اوقات نظر به واقعات ناگوار این اوضاع منقلب سیاسی، بنا به مشورت جمعی از بزرگان شرق و غرب و هیأت انجمن (تربیتی ایران و آمریکا) قرار شد توسعه در این مقصد عالی بدهند و محض اتساع این فکر ارجمند، گفته شد این اسم را تغییر بدهند به (انجمن ارتباط شرق و غرب) که بتوانند از سایر ملل متمدنه شرقیه در این انجمن محض خدمت به ایران داخل کنند و این چند روزه نظام‌نامه جامعی مشروحاً مدون و به طبع خواهد رسید و به جهت انجام دادن امور این انجمن و مشورت در مسائل مهمه آن با مردمان بزرگ سیاسی هر ملت، کمیته مجریه مرکزی هر کسی را که شناخت به عضویت منتخب خواهد کرد. انشاءالله همین چند روزه پس از قبول اعضاء انتخابات، تشکیل و افتتاح رسمی این انجمن خواهد شد.^۳

در رابطه با گزارش فوق چند نکته را می‌باید به فوریت خاطر نشان ساخت:

اول) گزارش مزبور فاقد امضاء بوده و برخلاف گزارش‌های احمدسهراب اصفهانی که در آن کمتر به مسائل سیاسی پرداخته می‌شد، در گزارش مزبور، ۲/۳ متن به بررسی اوضاع سیاسی ایران اختصاص یافته است.

۱. همان.

۲. همان، ش ۱۹، ص ۷، ۱۰ شوال ۱۳۲۸ قمری، ص ۵.

۳. همان، ش ۴، ص ۸، اول ربیع‌الاول ۱۳۲۹ قمری، صص ۴ و ۵.

دوم) تمامی نکات مربوط به «تشکیل انجمن روابط شرق و غرب» با فعل آینده توأم شده و با کلماتی همچون «خواهد رسید»، «خواهد کرد» همراه است و این نشان می‌دهد که تا آن تاریخ چنین انجمن تشکیل نشده بود و احتمالاً در آن زمان تنها یک ایده خام بوده است.

سوم) برخلاف عبارت پایانی گزارش مزبور که در آن وعده داده شده همین چند روزه تشکیل و افتتاح این انجمن خواهد شد. نه تنها در آن چند روز بعد، بلکه در هفته‌های بعد نیز خبری از تشکیل رسمی انجمنی با عنوان روابط شرق و غرب نشد.

چهارم) گزارش فوق در شماره اول ربیع‌الاول ۱۳۲۹ قمری جریده چهره‌نما چاپ شد؛ آن زمان مقارن با ایامی است که مذاکرات ایران و آمریکا برای اعزام مستشاران آمریکائی (هیأت مرگان شوستر) به ایران جدی شده بود. از سوی دیگر چند ماه قبل از آن تاریخ و در آغاز ذی‌حجه ۱۳۲۸ قمری خبری در مورد تأسیس «شرکتی در آمریکا برای کار در معادن ایران منتشر شد. در این خبر آمده است. شرکتی به تازگی در آمریکا به سرمایه بزرگ تشکیل شده که امتیاز کار کردن در معادن ایران را از دولت ایران حاصل کنند و همه ساله مبلغی به دولت ایران بدهند و یک نفر از آنها رهسپار ایران شده که کار این امتیاز را انجام دهد.»^(۱)

با توجه به اعزام فرد مزبور به ایران، آیا احتمال ندارد گزارش‌های مثبت وی، باعث همکاری و تشریک مساعی سرمایه‌داران آمریکائی و نیز همان «شرکت سرمایه بزرگ» فوق‌الذکر، با یکدیگر برای ورود به ایران و استفاده از موقعیت‌های اقتصادی آن کشور شده باشد؟ در همین راستا استفاده از امکانات انجمن تربیتی ایران و آمریکا نیز می‌توانست کمک مناسبی برای حرکت اقتصادی مزبور باشد و ایده تشکیل انجمن روابط شرق و غرب در واقع ایده‌ای برای تشکیل یک مجمع برای سرمایه‌دارانی بود که در جستجو فعالیت در ایران بودند.

به هر حال طرح ایده تشکیل انجمن روابط شرق و غرب در ربیع‌الاول ۱۳۲۹ قمری بسیار عجولانه صورت گرفت و می‌باید تا چند هفته پس از آن منتظر ماند.

تا اینکه در اواخر ربیع‌الثانی ۱۳۲۹ قمری (اواسط اردیبهشت ۱۲۹۱ / مه ۱۹۱۱) گزارشی که برای تدارک تشکیل (انجمن ارتباط شرق و غرب) فعالیت می‌کرد، در ابتدای گزارش خود نوشت: «چند روز است برای تدارک تشکیل کنفرانس عمومی (انجمن ارتباط شرق و غرب) از واشنگتن به نیویورک آمده‌ام و به خدمت (مستر ویلیام هور) رئیس انجمن تربیتی ایران و آمریکا که یکی از انجمن‌ها و شخص بانفوذ الکلمه و عظیم‌الشان این شهر [نیویورک] است، رسیده‌ام.»^(۲)

گزارشگر فوق، بیان «نوع‌خواهی آن وجود محترم» را بیرون از موضوع اخبارنگاری خود تلقی کرده و به بیان اصل موضوع می‌پردازد. یادآوری می‌کند نکته جالب توجه این است که گزارش فوق نیز بدون امضاء بود. و در ادامه جملات فوق، گزارشگر توضیحات جامعی را در رابطه با انجمن ارتباط شرق و غرب بیان

۱. همان، ش ۲۲، س ۷، اول ذی‌حجه ۱۳۲۸ قمری، ص ۱۴.

۲. همان، ش ۸، س ۸، نمره جمادی‌الثانی ۱۳۲۹ قمری، ص ۱۰.

می‌داد که در آن می‌خوانیم:

پروگرامی که کمیته مجریه مرکزی حال در کار انجام دادن است از این قرار است:

۱- فراهم آوردن یک کنفرانس عمومی بین‌المللی در ماه ژون یا ژولای.

۲- حاضر ساختن پروگرام این کنفرانس که جلسه‌های آن سه روز طول خواهد کشید.

۳- وعده گرفتن نطاقین غراء عالم که در باب مسائل مختلفه ایران از روی دانش صحبت نموده و مردم این مملکت را از حقیقت احوال آگاه سازند و دولت ایران را رسماً وعده گرفته‌اند که نماینده به جهت حضور در این کنفرانس معین نمایند.

۴- ترجمه نظام‌نامه جدید او به لسانهای مهمه شرق و غرب عالم از (فرانسوی) و (آلمانی) و (ایتالیائی) و (روسی) و (ایرانی) و (عربی) و (ترکی) و (ژاپنی) و (چینی) و (ترکستانی) و (هندی) و (گجراتی) و حالیه مشغول ترجمه هستند و تا به حال از ترجمه پنج زبان (ایرانی) و (عربی) و (فرانسوی) و (آلمانی) و (روسی) باشد خلاص شده‌اند.

۵- قبول رسمی این نظام‌نامه مهم در آن کنفرانس عمومی.

۶- چاپ نمودن اوراق مخصوصه انجمن به السنه مختلفه و انتشار آنها در میان جمیع ملل موجوده دنیا.

۷- انتخاب امناء کاردان سرشناس ایران دوست برای اجرای امور (انجمن ارتباط شرق و غرب)

۸- انتشار افکار عمومی و خیالات و پیشنهادهای انجمن در اطراف عالم.

۹- برای انجام این کارها و تحقیق این پروگرام‌ها دو هزار دلار (۲ هزار تومان) مهیا کردن که (تا به حال مبلغی قابل در خزینه موجود شده است.)^(۱) با دقت در ماده‌های نه‌گانه فوق مشخص می‌شود:

اول) تا این تاریخ انجمن ارتباط شرق و غرب حداقل به طوری رسمی تشکیل نشده بود. (ماده ۵) دوم) در هیچ یک از مواد آن صراحتاً از تبدیل شدن انجمن تربیتی به انجمن ارتباط سخن گفته نمی‌شود.

سوم) با مرور چندباره مفاد نه‌گانه فوق، وجود نوعی تعجیل و سرعت در شکل‌گیری «انجمن ارتباط» کاملاً هویدا است.

قبل از تحلیل وضعیت انجمن ارتباط شرق و غرب و ارتباط آن با انجمن تربیتی، مناسب است مروری بر چند سندی داشته باشیم که در همان اوان و در ارتباط دو انجمن فوق نوشته می‌شود.

در ۱۰ جمادی‌الاول ۱۳۳۹ قمری علی‌قلی‌خان (نبیل‌الدوله) که در آن زمان ژارژدافر در سفارت ایران در آمریکا محسوب می‌شد دو نامه به وزارت خارجه ایران ارسال می‌دارد. در نامه اول او از مکتوبی یاد می‌کند که «مسیوهانن نام به سمت منشی‌گری انجمن موسوم به انجمن تربیتی ایران و آمریکا که گویا اسم خود

۱. همان، ش ۸، س ۸، غره جمادی‌الاول ۱۳۳۹ قمری، ص ۱۰.

را انجمن شرق و غرب گذاشته» به علی‌قلی‌خان نوشته و در آن از وی دعوت نموده تا در کنفرانسی که این انجمن [انجمن تربیتی ایران و آمریکا] در ماه ژون در واشنگتن تشکیل می‌دهند، شرکت نماید.^۱ آنچه در نامه علی‌قلی‌خان آشکار است این موضوع می‌باشد که او به زعم و به گمان خود، تصور نموده انجمن تربیتی ایران و آمریکا به انجمن ارتباط شرق و غرب تغییر نام داده است و در ثانی کنفرانس ماه ژون مربوط به انجمن تربیتی ایران و آمریکا است و نه انجمن ارتباط شرق و غرب، زیرا دبیر انجمن تربیتی به علی‌قلی‌خان نامه نوشته و نه دبیر انجمن ارتباط شرق و غرب.

در ادامه نامه فوق، علی‌قلی‌خان برای حضورش در گردهمایی ژون انجمن تربیتی از وزارت خارجه استعلام می‌کند، و حضورش در آنجا را منوط به اجازه آن وزارت خانه می‌داند.^۲

اما قبل از پرداختن به نامه دوم علی‌قلی‌خان که در همان روز و به پیوست نامه فوق به وزارت خارجه ایران ارسال شد، می‌باید از نامه دیگری یاد کنیم که نامه دوم علی‌قلی‌خان، در واقع پاسخی به آن نامه بوده است. نامه مورد بحث، متنی به امضاء احمدسهراب و خطاب به «دارالشورای کبرای ملی» (مجلس شورای ملی) است که بر سر برگ آن آرم شیر و خورشید و آرم عقاب وجود دارد. تاریخ ثبت شده بر بالای این نامه ۳۰ ژون ۱۹۱۰ (۹ تیر ۱۲۸۹ شمسی) / اواسط جمادی‌الثانی ۱۳۲۸ قمری) است. احمدسهراب نامه خود را خطاب به «حضور مهر اعتلای هادیان دانشمند و حکیمان حاذق و کلای و محترم و نمایندگان معظم ملت» آغاز می‌کند. او سپس از اهمیت نقش معارف در بهبودی وضعیت آن روز ایران ذکر کرده و در ادامه تعاون و تعاضد بین‌المللی را بالاترین قوه در عالم حیات قلمداد می‌کند. او پس از بیان شرحی مفصل از فواید تعاون و تعاضد بین‌المللی، بحث را به معرفی انجمن ایران و آمریکا، فعالیت‌های آن و تلاش مؤسسين آن انجمن برای گسترش آن، می‌رساند. بدین تربیت به نظر می‌رسد ایده گسترش فعالیت انجمن تربیتی ایران و آمریکا، از اواسط اولین سال فعالیت آن انجمن، در ذهن گردانندگان و متصدیان آن وجود داشت. در آن هنگام شش ماه از شروع به کار رسمی انجمن گذشته بود و در چنین وضعیتی احمدسهراب در بخشی از نامه مفصلش به مجلس نوشت:

«چون تشکیل این انجمن اعلان گردید از هر سمت ایران و آمریکا مراسلاتی دریافت شد که تجار و صاحبان صنایع طالب اطلاعات تجارتی و صنعتی شده‌اند که به چه گونه و به وسیله مراوده حقیقی و ارتباط متین مابین این دو مملکت حاصل گردد و هیأت این انجمن آن قدری که دانسته و توانسته در این طرف اظهاراتی نموده است ولی چون نظام‌نامه این انجمن محدود بود، اجزاء قادر نبودند که به طرز خوش این خدمات عظیم را به انجام رسانند تا اینکه در این ایام پس از مشاورت با چند نفر از دانشوران و عقلا این مملکت چنان مصلحت دیده که مجلسی از قانون‌دانان مهیا نموده و با آنها مشورت کرده و نظام‌نامه متین که دارای شئونات کلیه باشد، انتشار نموده و اسم آن را انجمن ارتباط شرق و غرب گذاشت و قرار

۱. گزیده اسناد روابط ایران و آمریکا (۱۸۵۱-۱۹۲۵) به کوشش سیدعلی موجانی، اداره انتشار اسناد دفتر مطالعات سیاسی و

بین‌المللی، تهران: وزارت امورخارجه، موسسه چاپ و انتشارات، ۱۳۷۵، ص ۲۵۵

۲. همان.

شده که کمیته‌های ذیل که اجزایش از میان مردم با علم و با تجربه که در طرق خود، آگاه و مجرب باشند، انتخاب گردد:

کمیته معارف، کمیته زراعت، کمیته صنعت، کمیته معادن، کمیته فنون، کمیته مالیه، کمیته معماری، کمیته مهندسی، کمیته مدنی، کمیته قانون، کمیته طبابت، کمیته صلح بین الملل، کمیته اجرا، کمیته انتظام، کمیته انتخاب، کمیته مشاورت، کمیته پروگرام، کمیته مراسله‌نگاری و غیره.

به محض آنکه پس از جرح و تعدیل و مشاورات کمیته نظام‌نامه، کنستیتوسیون و پروگرام این انجمن ارتباط شرق و غرب حاضر گردید و چاپ می‌شد به حضور هادیان ملت ارسال خواهد گردید و امید است که کمیته‌های دارالشورای کبری به اجزاء این انجمن مراسلت نموده تا در این واسطه رشته‌های تجارت و صنعت ما بین دو مملکت محکم شود و احتیاجات هر یک نمودار گشته و در رفع آن جهد و سعی اظهار گردد.^۱

کاملاً مشخص است قرار بوده انجمن با عنوان انجمن ارتباط شرق و غرب شکل بگیرد ولی تا آن زمان آن انجمن تأسیس نشده بود. تمام عبارات فوق، اشاره به آینده است و مشخص می‌سازد فکر تشکیل چنین انجمنی هنوز به فعلیت و رسمیت نرسیده است بنا بر آنگاه که در ادامه جملات فوق احمدسهراب می‌نویسد: «اگر روزنامه‌ها و قرائت‌خانه‌ها [در ایران] طالب روزنامه‌ها و مجلدات علمی و فنی آمریکا هستند، فقط به این اداره اظهار داشته [تا] مجاناً فرستاده می‌شود.»^۲ قطعاً اشاره به انجمن تربیتی ایران و آمریکا دارد. گزارش دیگری که مؤید وجود ایده تشکیل انجمن روابط شرق و غرب در نزد گردانندگان انجمن تربیتی در اواسط نخستین سال فعالیت آن انجمن است، گزارش محرمانه هانن، دبیر انجمن تربیتی به ان انجمن می‌باشد. با توجه به وجود عبارت: «در پیش‌بینی فعالیت‌های پائیز و زمستان [انجمن تربیتی]» در ابتدای گزارش هانن، به نظر می‌رسد گزارش مزبور در اواسط تابستان ۱۹۱۰ (حدود اوت ۱۹۱۰) باید تنظیم شده باشد. هانن در گزارش خود بیان می‌دارد:

«هم اکنون کمیته سازماندهی در حال بررسی اصلاح اساسنامه جهت استفاده در کارهای جهانی و بدون محدودیت می‌باشد. فرض بر این است که نام سازمان [انجمن تربیتی] به «انجمن اتحاد شرق و غرب» یا نامی مشابه که بیانگر اهداف سازمان باشد، تغییر نماید. در این سازمان علاوه بر مسئله آموزش‌دهی، کمیته‌ها پارلمان‌های ویژه کشاورزی، توسعه صنعتی، داروسازی، بازرگانی و علوم و فنون نیز دایر خواهد شد»^۳ هانن در ادامه گزارش خود صراحتاً می‌نویسد: «ایده درونی تشکیل چنین انجمن جمع‌آوری و اشاعه فعالیت‌های و ابداعات شرق و غرب است به طوی که ساکنین هر دو نیمکره کالای مشترک برای به جریان انداختن فعالیت‌های بشر دوستانه خود بیابند.»^۴ کاملاً آشکار است که تا آن زمان «انجمن ارتباط و یا اتحاد

۱. مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، سند شماره ۰۰۲۱۶۰۲۹۰۰۰۱۲۰۲۵۰.

۲. همان، سند شماره ۰۰۲۱۶۰۲۹۰۰۰۱۲۰۲۶۰.

۳. سیدعلی موجانی؛ همان، ص ۱۴۲.

۴. همان.

شرق و غرب» تنها به عنوان یک ایده و اندیشه مطرح بوده و نه یک تشکل به فعالیت رسیده و رسمیت پیدا کرده. اما همانند احمد سهراب، هانن هم در ادامه گزارش خود، از انجمن تربیتی یاد کرده و فعالیت‌های آن را برمی‌شمرد. او می‌نویسد: «انجمن تربیتی ایران و آمریکا در پائیز [۱۹۱۰] و بهار [۱۹۱۱] اساس توسعه سازمانی گسترده‌تر را ارائه و ما نیز در مورد موفقیت آن تلاش خواهیم کرد. از زمان گزارش قبلی تاکنون، حواله‌ای ۲۰۰ دلاری برای آقای اسپراگ ارسال و محلی برای ۱۰ بورسیه دیگر فراهم آمد است.»^۱

بدین ترتیب کاملاً آشکارا است. حداقل تا اواسط سال ۱۹۱۰ انجمنی به نام ارتباط شرق و غرب هنوز موجودیت نیافته و فعالیت رسمی خود را آغاز ننموده بود.

تداوم فعالیت انجمن تربیتی

در همان شماره از جریده چهره‌نما (غره جمادی‌الاول ۱۳۲۹ قمری) که وقایع‌نگاری از نیویورک، اقدامات انجام شده در مورد تأسیس انجمن روابط شرق و غرب را اطلاع می‌داد؛ متن دیگری با عنوان «مدرسه تربیت تهران» چاپ شد که در آن بخشی از فعالیت انجمن تربیتی ایران و آمریکا را تا آن زمان، ارائه شد. به نظر می‌رسد وجود دو متن مزبور در کنار هم و در یک شماره از جریده چهره‌نما، استقلال آن دو انجمن از یکدیگر را آشکار می‌سازد. به هر حال مروری بر گزارشی که تحت عنوان «مدرسه تربیت تهران» است، بیانگر تداوم فعالیت انجمن تربیتی می‌باشد، در این گزارش می‌خوانیم:

«از پارسال تا به حال هفتصد دلار نزد امنای مدرسه تربیت به تهران فرستاده شده و چنانچه نگاهشیم و در جریده مقدس چهره‌نما مندرج گردید و این چند روزه سیصد دلار دیگر فرستاده شده و امید است صورت حساب مدرسه را به اداره بفرستند. دیگر [اینکه] در پائیز امسال دو معلم ماهر یکی زن برای مدرسه دختران و یکی مرد برای مدرسه پسران (انجمن) [تربیتی] خواهد فرستاد. معلمه زن را انتخاب کرده‌اند و او (میس لیلیان کپس) [است که] چندین سال در مدارس آمریکا معلمی نموده و حالیه از معلمی اینجا باید استعفاء بدهد. مخارج او را تا تهران انجمن به عهده گرفته و اینک منتظر انتخاب معلم [مرد] هستند. [موضوع] دیگر دختری است (لیس استوارت) که عامله است در کار پرستاری بیمارها و او را هم با این دو نفر معلم و معلمه به تهران می‌فرستند که در تهران به معاونت دکتر (کلاک) و دکتر (مودی) قیام نمایند.»^۲

در ادامه گزارش فوق، گزارشگر از ارسال کتب برای کتابخانه مدرسه تربیت تهران یاد کرده و می‌نویسد:

«در این چند ماهه نزدیک به سیصد جلد کتاب مفید به جهت کتابخانه مدرسه تربیت تهران فرستاده شد و عنقریب کلیه عدد کتبی که به تهران فرستاده شده است از روی ثبت دفترخانه انجمن، به اداره [جریده چهره‌نما] خواهیم فرستاد. مطلب مهم دیگر [این است که] به قدر یک‌صد و پنجاه کتب کاتالگ (نقشه صور اسباب) که اسباب فلاح و معدن کنی و راه‌آهن کنی و هرگونه اسباب ترقی از صنایع و بدایع و غیره با

۱. همان.

۲. همان، ص ۱۱.

هزاران زحمت از کارخانجات بزرگ آمریکا، انجمن به دست آورده و به تهران فرستاده شده و باز هم فرستاده می‌شود که در تهران جمعیت تجارت، آدم زبان‌دانی بگمارند و به میعاد معین، مردم صنایع کار و کسانی که طالب ایجاد کارخانجات وطنی و استخراج معادن و غیره هستند. به ذریعه جراید محلی تهران دعوت کنند و جمع شده از روی آلات جدیدالاختراع و محیرالعقول از آن کتابهای نقشه، به فکر جذب کارخانه و اختراعات و صنایع افتاده و ثروت طبیعی خاک زرخیز ایران را بیرون آورند. الحق خدمات ذی‌قیمت انجمن در این مدت کم، خیلی است و عنقریب خدمات عالی‌تر دیگر که در فوق اشاره شد، سرگرفته و روابط بین دولترین ایران و آمریکا را زیاده از پیش کرده»^۱

چند هفته پس از چاپ گزارش فوق در جریده چهره‌نما، در ۲۰ جمادی‌الاول ۱۳۲۹ قمری علی‌قلی‌خان نبیل‌الدوله دو نامه (به شماره‌های ۳۲۱ و ۳۲۲) به وزارت امور خارجه در تهران ارسال می‌کند. هر دوی نامه‌های فوق در مذمت و نکوهش انجمن تربیتی و نیز انجمن ارتباط شرق و غرب بودند. در نامه اول تنها به برخی توضیحات و مکتوبات دیگر اشاره شده ولی نامه دوم مفصل و پر حجم است.^۲ نامه دوم نقدی بر عملکرد انجمن تربیتی است که در بخش دیگری از این مقاله مورد بررسی قرار می‌گیرد؛ اما آنچه در این قسمت مهم بوده و در راستای فعالیت انجمن تربیتی و ارتباط آن با انجمن ارتباط شرق و غرب می‌باید مورد توجه قرار گیرد، اشارات علی‌قلی‌خان به روند فعالیت آن دو انجمن است. علی‌قلی‌خان در ابتدای نامه خود به بررسی نحوه تأسیس و فعالیت انجمن تربیتی می‌پردازد در ادامه آن چنین نوشت: «باری مدتی که گذشت و حضرات دیدند که چندان پیشرفتی در کارشان پیدا نمی‌شود قصد کردند (باز بدون مساعدت و استحضار بنده) که اسم انجمن را مبدل را (انجمن اتحاد شرق و غرب) نمایند و مراسم جدیدی بنویسند و لهدذا مراسم‌های با آب و تابی نوشته به جراید ایرانی مصر و تهران و هندوستان فرستادند و آنها نیز باکمال آب و تاب طبع کردند و به تعجیل در سه ماه قبل دعوت‌ها نوشته از دولت علیه و سفارات ژاپن و عثمانی (چنانچه در روز قبل اجزای این انجمن به بنده اطلاع دادند) دعوت کردند که در هفته اول ماه مه در (کنفرانس بین‌المللی) که منعقد می‌کنند، حاضر شود. اولاً چنین (کنفرانس بین‌المللی) تا به حال که اواخر ماه مه [۱۹۱۱ / ۲۰ جمادی‌الاول ۱۳۲۹ قمری] است وجود نداشته»^۳

تا اینجای نامه، علی‌قلی‌خان، از عدم برگزاری کنفرانس بین‌المللی انجمن ارتباط شرق و غرب که قرار بود در ماه مه ۱۹۱۱ برگزار شود، سخن می‌گوید. از این قسمت نامه به بعد او اشاره به کنفرانس دیگری هم می‌کند که قرار بود در نیمه ماه ژوئن (ژون) برگزار شود؛ در این رابطه علی‌قلی‌خان می‌نویسد:

«چند یوم قبل بنده را دعوت به حضور در کنفرانسی که خیال دارند نیمه ماه ژوئن بگیرند دعوت نمودند و بنده جواب نوشتم که پس از اطلاع به وزارت جلیله خارجه، هر چه امر شد اطاعت خواهم نمود [...] چند روز قبل این انجمن به بنده نوشت و خواهش کردند که در نیمه ماه ژون در کنفرانسان حاضر شوم و نطق

۱. جریده چهره‌نما، همان، ص ۱۱.

۲. گزیده اسناد، صص ۲۳۳-۲۳۶.

۳. همان، ص ۲۳۴.

بنمایم و (ریاست افتخاری کل انجمن) را قبول نمایم. بنده جواب دادم که به دولت علیه مراتب را می نویسم هرچه امر فرمودند، اطاعت می کنم»^۱

برگزاری کنفرانس سالیانه انجمن تربیتی

کنفرانس دوم که علی‌قلی‌خان در مورد آن سخن می‌گوید، کنفرانس کدام انجمن است؟ او خود پاسخ روشنی به این سؤال داده و در گزارش شماره ۳۵۹ مورخ اول رجب ۱۳۲۹ قمری [اوایل اوت ۱۹۱۱] صراحتاً ذکر می‌کند که کنفرانس مربوط به انجمن تربیتی ایران و آمریکا می‌باشد.^۲

دو هفته قبل از آن و در ۱۷ ژوئیه ۱۹۱۱، احمد سهراب اصفهانی طی نامه‌ای به وزارت امور خارجه، جزئیات برگزاری کنفرانس مزبور را به تهران و برای آن وزارت‌خانه ارسال می‌کند؛ او در نامه کوتاه خود یادآوری می‌نماید: «این اول کنفرانس انجمن تربیتی ایران و آمریکا و بسیار مهم و با نتیجه بود و آثارش در عالم سیاست شرق به تدریج ظاهر و هویدا خواهد گشت».^۳

خوشبختانه گزارش کاملی از کنفرانس مزبور و نیز متن اعلان دعوت‌نامه آن کنفرانس در دست است که گویا بخشی از فعالیت‌های انجمن تربیتی می‌باشند. نخست مروری بر متن اعلان خواهیم کرد. در آن اعلان آمده است:

اعلان کنفرانس سالیانه انجمن تربیتی ایران و آمریکا

عنوان این اول انجمنی است که به این اسم و رسم در این مملکت تشکیل یافته و برحسب فرمان دولت جمهوری آمریکا به خدمت نوع، حاضر گشته و برحسب نظام‌نامه‌اش یک کنفرانس عمومی در روز جمعه ۱۶ و شنبه ۱۷ و یکشنبه [۱۸] ج (۱) [جمادی‌الاول] ۱۳۲۹ [قمری] می‌دهد.

مقاصد این انجمن این است که این دو مملکت را در منافع نوعی به همدیگر نزدیک نماید و رشته‌های تجارتي و علمی و اخلاقی فی‌مابین مستحکم کند. چنان امیدوار هستیم که مردمان فعال و وطن‌پرستان دوربین در این کنفرانس حاضر گردند و ما شما را در نهایت دوستی دعوت می‌کنیم که یا خود حاضر شوید و یا نماینده بفرستید و هر کس طالب استدارک مقاصد این انجمن است زحمت کشیده و از منشی انجمن مواد نه‌گانه ذیل را بخواهد تا جواب مفصل بشنود و این است نوت اعلانی:

(۱) هر کسی تشریف فرما در این کنفرانس گردد از مقاصد آنها کاملاً آگاه خواهد شد.
(۲) کسانی که مایل به حضور در کنفرانس هستند یا نماینده می‌فرستند، باید قبل از ۱۰ ماه ژون به منشی خبر بدهند.

(۳) نماینده و وکلای از سایر انجمن‌های تجارتي و معرفتی و صنعتی قبول می‌شود و اگر انجمن‌های مذکور مایلند نماینده بفرستند، جلسه فوق‌العاده برای آنها معین می‌شود که خیالات خود در باب برقرار

۱. همان، ص ۲۴۵.

۲. همان، ص ۲۶۹.

۳. همان، ص ۲۶۹.

نمودن روابط متفقه مابین ایران و آمریکا اظهار دارند.

۴) در این کنفرانس مقاصد و نیات انجمن تربیتی ایران و آمریکا به واسطه متکلمین مختلفه صحبت شده و آشکار خواهد شد.

۵) وسائل متقنسه برای ازدیاد ارتباط مابین ایران و آمریکا آماده خواهد شد.

۶) عنقریب نظامنامه دیگر که وسیع تر است به واسطه کمیته مخصوصی پیشنهاد کنفرانس خواهد شد.

۷) راپورت‌های امور و کارهای سال گذشته انفاذ خواهد شد و برای پروگرام سال آینده گفتگو و طرح او برقرار خواهد شد.

۸) چون دولت آمریکا در این ایام خدمت پنج نفر مستشارهای آمریکائی را برای انتظام مالیه [ایران] قبول نموده، بسیار واضح است که در همین نزدیکی، این دو مملکت به هر ملاحظه خیلی به هم نزدیک خواهند شد و روابط محکم‌تر خواهد گردید، لهذا فوائد این انجمن به جهت برقرار نمودن روابط تجارتي و صنعتی مابین ایران و آمریکا خیلی روشن و در این نقطه، بر عموم قارئین زود آشکار خواهد گردید.

۹) چون دولت ایران مشروطه و دارای قوانین محکمه و دارالشورا است لذا برای تشجیع ارتباط دوستانه با ملل عالم خصوصاً آمریکا، یک میدان وسیع تجارتي و صنعتی و معدن داری و غیره برای سرمایه‌داران و صاحبان کارخانجات آمریکا مهیا شده و موقع خوبی به دست آمده؛ بنابراین انجمن قادر خواهد بود که از هر جهت اطلاعات مفیده برای طالبین طرق مذکوره فوق، اخذ نماید و به آنها برساند و چون این انجمن است به این اسم و به این تکالیف عالییه این کنفرانس عمومی را می‌دهد و در واقع مسائل مذکوره فوق، هر یک در موقع خود بسیار مهم است، امیدواریم که محترماً هر کسی قبول تشریف فرمائی بنماید.»^۱

قبل از ادامه مقاله و ارائه گزارش نخستین کنفرانس عمومی انجمن تربیتی، نکته مهمی در اعلان فوق وجود دارد که می‌باید به آن توجه نمود. در ابتدای اعلان، بر این نکته تأکید می‌شود. «این اول انجمن است که به این اسم و رسم در این مملکت تشکیل یافته» و در انتهای آن هم باز چنین می‌خوانیم: «این اول انجمنی است به این اسم و به این تکالیف عالییه [که] این کنفرانس عمومی را می‌دهد.»

سؤال این است چرا بر اولین بودن انجمن تربیتی، چنین اهمیتی داده شده و در ابتدا و انتهای یک اعلان بر آن تأکید می‌شود؟ مگر انجمن‌های مشابه دیگری هم بوده و یا در صدد شروع به کار بوده‌اند که مسئولان انجمن تربیتی را به تأکید بر «اولین انجمن» بودن خود، واداشته‌اند؟ پاسخ به این سؤال را به بخش انتهائی مقاله حاضر که در آن به جمع‌بندی مطالب و بررسی انجام شده، اختصاص داده‌ایم، وامی‌گذاریم. بپردازیم به ادامه مقاله و گزارش نخستین کنفرانس عمومی انجمن تربیتی که در ۱۶ ژون ۱۹۱۱ در کتابخانه ملی واشنگتن تشکیل شد. در گزارش آن کنفرانس می‌خوانیم:

«چون چند ماه به ذرایع جراید بزرگ آمریکا و اخیراً به وسایل اعلانات، مردمان دور و نزدیک از این کنفرانس مطلع شده بودند و همه انتظار داشتند، کمیته برای این کنفرانس مترصد بود که محلی به دست

۱. جریده چهره‌نما، ش ۱۱، س ۸، غره جمادی‌الثانی ۱۳۲۹ قمری، صص ۱۴ و ۱۵.

آورد که به ملاحظه مقام و شئونات نمایندگان محترم که اغلب از حکما و فلاسفه و وزراء و میلیونچی [سرمایه‌داران] بزرگند، درخور باشد. تا آنکه از حسن تصادفات، پروگرام این کنفرانس به نظر امنای کتابخانه ملتی عمومی واشنگتن رسیده و کمیته را دیده و قرار گذاردند جلسات این کنفرانس در تالار بزرگ کتابخانه بشود. انتشار این مطلب برجلالت و وقار کنفرانس بسیار افزود زیرا کتابخانه عمومی واشنگتن یکی از ابنیه‌های عظیمه است. که از سنگ‌های مرمر الماس تراش ساخته و پرداخته شده. چون اجازه حاصل شد بنای تزئین نمودن تالار گذاشته شد. تمام این تالار بزرگ به بیرق‌های الوان شیر و خورشید و قالی‌های بزرگ و کوچک ابریشمی و قلاب دوزی‌های ابریشمی ایران، تزئین یافت. مجسمه اعلیحضرت مظفردالدین‌شاه کبیر یک طرف و تمثال اعلیحضرت سلطان احمدشاه و جناب پرزیدان تفت ژرژ رئیس جمهوری آمریکا از طرفی نصب و در و دیوار و کناره راه‌ها به انواع گل‌های معطر آراسته شده بود. خدمه‌های این کنفرانس تمامی از دختران فاضله مدارس عالییه واشنگتن بود که به نوبه معین شده بودند که تمامی با لباس‌های سفید مهبیای خدمت بودند.

برای نمایندگان محترم نشانی معین شده بود که عبارت از روبان حریر قرمز و سفید و سبز بود و هنگام ورود، تقدیم [به آنها شده] و به سینه‌های آنها نصب می‌کردند و دفتری موجود کرده بودند برای تحریر اسامی و القاب واردین که هر یک اسامی خود را بنویسند.

[اولین نمایشگاه مطبوعات ایران] یکی از مزایای عالی این کنفرانس نمایش جراید و معارف ایران بود که یک طرف این تالار بزرگ، یک اتاقی^۱ مرتب شده بود که تمامی جراید داخله و خارجه قدیمیه و جدیدیه ایران را به اسامی و مسلک و مشرب آنها به خط انگلیسی بر فوقش نوشته بودند همچون [هفته نامه] حبل‌المتین کلکته و [حبل‌المتین] یومیه [تهران]، چهره‌نما، ایران نو، استقلال ایران، صوراسرافیل، نیراعظم، الجمال، محاکمات، کشکول، جارچی ملت، شرق، بهار، حقائق، تمدن، مظفری، پلیس ایران، حکمت، نجم باختر، اطلاع، شمس، زاینده رود، انجمن تبریز و اصفهان، وقت، عصر، خرم، سروش، فرهنگ، اختر، تنبیه، ندای وطن، معارف، شیراز، بهلول، چننه پابره‌نه، تبریز، وطن، ترقی، مجلس، اتحادیه فرانسه و ایران، کوبک دری، آذربایجان، استبداد و حشرات الارض که خیلی جاذب دقت بود.

از طرفی [دیگر] راپورت اعمال و کردار (انجمن) را نوشته و چاپ کرده که هر کس میل دارد، بردارد و ببرد و از انجمن اطلاع به هم رساند.

روز جمعه ۱۰ رجب ۱۳۲۹ مطابق ۱۶ ژوئن ساعت ۱۰ فرنگی دو ساعت به ظهر مانده اولین جلسه کنفرانس (انجمن تربیتی ایران و آمریکا) منعقد شد. در صورتی که ازدحام جمعیت به قسمی بود که به وصف نمی‌آید. واردین به تالار بزرگ از طرف تمام جمعیات و کارخانجات و اداره‌جات معارف و ادبیات و صنایع و بدایع و ارباب جراید و مخبرین آنها حاضر شده بودند. مقدم [نفر اول] جناب جلال‌تصاب اجل وزیرعلوم و معارف آمریکا نطق غرائی کرده و از فلسفه، علوم و فنون شرقیه و خاصه ایران شرحی داد و

۱. در اصل: «اوتاگی».

پارلمان ایران را وعده گرفت که کمیسیون معارف به آمریکا فرستاده که در نهایت احترام پذیرفته خواهد شد.

همچنین تئودر برتن سناتور پارلمان آمریکا که از اولین سیاسیون مشهور دنیا است در نطق خود از اغلب مسائل دموکراسی و مشروطیت اشاره کرد و بر خدمات این انجمن تمجید کرد.

در هر جلسه یکی از مشاهیر همچون (پرفسور ادوارد گتسنگر) که از میلیونرهای شهیر آمریکا است و پرفسور (شوقلا)، آن یک از اهمیت تجارب و صنعت و معادن ایران و آن دیگر از دسایس روس و انگلیس بیانات شافی دادند. دیگر جناب میرزا علی‌قلی خان شارژدافر بنا بر آنکه از واشنگتن به مسافت بعیده به جهت کسالت بیرون به بیلاق رفته بودند، نتوانسته حاضر شود لکن خطابه غرائی در وضع تعلیم و تربیت (اعلیحضرت سلطان احمدشاه) و ترقیات معارف این عصر در ایران، نوشته که در یکی از جلسات خوانده و خیلی سبب تمجید واقع شد.

این نطق‌ها و خطابه‌ها را تمامی جراید بزرگ آمریکا با شرحی نوشته و اینک عین خطابه‌ها و مقاله‌ها را به اداره [آن جریده] فرستادم که پس از ترجمه، در جریده مبارکه [چهره‌نما] درج بفرمائید تا دور و نزدیک مطلع شوند.

یکی از مزایای معنوی این کنفرانس دخول علیا مخدره بانوی مکرمه (قدسیه خانم) تهرانی است که این دختر عالمه فاضله عقیقه، محض ادی نطقی در یکی از جلسات حاضر و نطق شیوائی درباره محسنات علم و مضرات جهل و لزوم تربیت و تعلیم زنان نمود که تمامی آمریکائی‌ها و اروپائی‌ها به حیرت آمدند که چنین دختری به سن بیست ساله، آن هم در زبان انگلیسی به این فصاحت و بلاغت نطق کند که عین نطق ایشان را هم فرستادم.

در واقع اگر تمامی نطق‌ها و خطابه‌های جلسات (کنفرانس انجمن تربیتی ایران و آمریکا) ترجمه و جمع گردد یک کتاب شاهنامه می‌شود. باری چند قطعه از جلسات هیأت محترمین پرفسورها و سیاسیون بزرگ را ارسال کردم که در صفحات جریده مبارکه مندرج بفرمائید.^۱

در کتاب بررسی مناسبات ایران و آمریکا، هنگام بررسی نقش و جایگاه انجمن تربیتی ایران و آمریکا، اشاره‌ای به کنفرانس فوق‌الذکر شده و با ذکر این نکته که در آن هنگام در مراکز اصلی انجمن ۶۴ عضو دائم و ۱۹ عضو غیردائم با انجمن مورد بحث همکاری داشتند، از جمله اعضای ثابت آن را انجمن‌های بهائی‌های پرتلند، فیدادلفیا، سیاتل، هونولولو، کنوشا، پاسادینا و اسپو کین یاد می‌شود. گفته شده مجموع اعضاء مزبور تصمیم به برگزاری کنفرانس فوق گرفتند.^۲ بدین ترتیب کاملاً آشکار است که نخستین کنفرانس عمومی انجمن تربیتی ایران و آمریکا، کنفرانسی با حضور انجمن‌های بهائی (عمدتاً شرق آمریکا) بوده است. آنان تمامی سعی خود را برای برگزاری هر چه با شکوهرتر آن کنفرانس انجام دادند. حضور وزیر معارف دولت آمریکا و نیز یکی از سناتورهای مجلس سنای آن کشور در کنفرانس و سخنرانی آنها، نشان از اهمیت

۱. همان، ش ۱۶، س ۸، غره رمضان ۱۳۲۹ قمری، صص ۷-۱۰.

۲. سیدعلی موجانی، همان، ص ۱۴۵.

کنفرانس می‌داد؛ و این نکته خود مآلاً نشان از اهمیت موضوع ایران در نزد آمریکائی‌ها می‌کرد. در واقع ماه ژون ۱۹۱۱ زمانی بود که نخستین دسته از مستشارهای آمریکائی (مرگان شوستر و هیأت همراهش) به سمت ایران حرکت کرده و این موضوع نوید دهنده ایجاد فضایی برای فعالیت آمریکائی‌ها در خاورمیانه بود. به وجود آمدن چنین امیدهایی در بین آمریکائی‌ها، سرمایه‌داران، صاحبان کارخانه‌ها، تجار و بازرگانان و..... آمریکائی، اقبال آنها به سمت ایران را به همراه داشت. در این میان انجمن تربیتی تلاش کرد. با برگزاری یک کنفرانس عمومی و تبلیغات همه جانبه، از فرصت به دست آمده استفاده نماید. ولی این وضعیت دوام چندانی نیافت.

پایان کار انجمن تربیتی

شکست هیأت مالی مرگان شوستر در ایران و اخراج آن هیأت، دلسردی افکار عمومی و صاحبان صنایع و ثروت در آمریکا را نسبت به ایران به همراه داشت، بدین لحاظ چندی بعد فضای نه چندان مناسبی برای فعالیت انجمن تربیتی به وجود آمد. این موضوع به خوبی از خلال گزارشی که در اوایل ربیع‌الاول ۱۳۳۰ قمری (اواخر حوت ۱۲۹۰ / اواسط مارس ۱۹۱۲) در مورد فعالیت انجمن تربیتی تهیه شد، آشکار است. در ابتدای گزارش مزبور گزارشگر شرح مبسوطی از سخنرانی مرگان شوستر در فلاذلفیا می‌دهد. شوستر که تازه یک هفته از بازگشتنش به آمریکا نگذشته بود در طی سخنرانی خود، فضای بسیار ناامید کننده‌ای از ایران ترسیم می‌کند. گزارشگر پس بیان سخنان او به وضعیت تلقی آمریکائی از ایران می‌پردازد و می‌نویسد:

«بلی مردم آمریکا خیلی اظهار دلسوزی زبانی نسبت به ایران می‌نمایند ولی فعلی نیست زیرا ایران ضعیف است و در حفظ حقوق خود بی قوت است. اگر ایران می‌توانست در جلوی دشمنان خود مقاومت کند آن وقت اهالی آمریکا فعالیت پیدا می‌کردند و اعانه زیاد می‌فرستادند. باری، ملتی که امروز نتواند حقوق داخله خود را از حمله دشمنان خارجه حفظ نماید هیچ کس در مقام تأیید و کمک او بر نمی‌آیند. به هر جهت نمی‌دانم چه بنویسم از ورود (شوستر) و خطابه‌هایی که خوانده و می‌خواند، جراید و مجلات چه هنگامه کرده و چه هیاهوها در اندخته‌اند و چه پرست‌ها کرده و نماینده‌های هر ملتی چه خطابه‌های آتشین خوانده و از سوء حرکات و افعال دولتین روس و انگلیس در ایران چه‌ها گفته و نوشته‌اند؛ آیا به قدر خردلی اثر کرد؟! نه والله. دولت آمریکا رسماً انگشتی حرکت نداد. حتی نزدیک به پانصد نفر از معاریف و مشاهیر آمریکا متفقاً عریضه‌ای در این خصوص نوشته و امضاء کرده و به حضور (پرزیدان) [رئیس جمهور] تقدیم کردند که در این موقع یکی دو کلمه به ایران کمکی کند، هیچ خبری نشده و جوابی نرسید.»^۱

در چنین وضعیتی: «انجمن [تربیتی] ایران و آمریکا مقاله‌های مسترحمانه در جراید مهمه منتشر داد و برای باقی ماندگان شهدای رشت و تبریز اعانه طلبید [ولی] کسی یک ریال نداد. چون به تحقیق ملاحظه

۱. جریده چهره نما، ش ۵، ۹، ۲۰ ربیع‌الثانی ۱۳۳۰ قمری، صص ۱۱ و ۱۲.

کنیم جمیع دول غرب همچون یک رشته کلافند که از یک پنبه رشته شده‌اند و ابداً در غم و غصه مشرقیان پروائی ندارند.»^۱

گزارشگر پس از تذکر نکته فوق به فعالیت انجمن تربیتی در واقعه قحطی غرب ایران می‌پردازد. به یاد داشته باشیم اولین کنفرانس انجمن مزبور در ماه ژون ۱۹۱۱ برگزار و گزارش مزبور در مارس ۱۹۱۲ نوشته و ارسال گردید از فعالیت انجمن تربیتی در آن فاصله زمانی جز گزارش مورد بحث، فعلاً گزارش دیگری در دسترس نمی‌باشد. گزارشگر مذکور می‌نویسد: «در این ایام چون خبر قحط و غلای بروجرد و همدان به آمریکا منتشر شده که برخی پدران، اولادهای خود را خورده و جوانان از شدت گرسنگی همدیگر را می‌درند، انجمن [تربیتی] ایران و آمریکا در صدد خدمتی بر آمده که هر قسم هست بلکه بتواند چیزی جمع و به این پریشان روزگارا به تهران برسانند. مقدم [در وهله اول] مکتوبی به انجمن (صلیب احمر) نوشته و به توسط جراید اعلان شد. به محض اشاعه، یک نفر صد دلار فرستاد. امید است دو سه هزار دلار جمع و روانه گردد.

[در مرحله] دوم کنفرانس انجمن تربیتی ایران و آمریکا در ۱۸ و ۱۹ و ۲۰ ماه آوریل [۱۹۱۲/۲۹-۳۱ فروردین ۱۲۹۱/۱۲] اواخر ربیع‌الثانی ۱۳۳۰ قمری] در واشنگتن منعقد خواهد شد و ار حالیه اعضاء در تدارک و تهیه [برگزاری] او هستند.»^۲

گزارش دیگری از علی‌قلی خان شارژدافروقت سفارت ایران در واشنگتن در دست است که در ۱۷ جمادالثانی ۱۳۳۰ قمری (اوایل ژون ۱۹۱۲/اواسط خرداد ۱۲۹۱) تهیه و به وزارت امور خارجه در تهران ارسال شد. گزارش مزبور که در مورد فعالیت انجمن تربیتی است نشان می‌دهد آن انجمن در وصول به اهداف دوگانه فوق (ارسال کمک به قحطی زدگان غرب ایران و برگزاری دومین کنفرانس) موفق بوده است یا نه؟

علی‌قلی‌خان گزارش خود را در پاسخ به استعلام وزارت امور خارجه در باب: «اقدامات انجمن تربیتی ایران و آمریکا در جمع‌آوری اعانه به اسم قحط زدگان همدان»، تهیه نموده و می‌نویسد: «در ماه فوریه [۱۹۱۲] از دکتر مودی طبیبه آمریکایی مقیم تهران، مکتوبی به انجمن دایر به قحطی همدان رسید و چون او در تهران نماینده این انجمن است، از انجمن درخواست کرده بود که اعانه جمع نمایند و اینها نیز بدون اطلاع این سفارت، نظر به مساعدت با ایرانیان، مکتوب مذکور را در جراید درج نمودند. چون در آن مراسم ذکر شده بود که مردم اطفال خود را می‌خورند، این بنده با کمال تعرض روسای انجمن را خواسته و شکایت سخت کردم و گفتم ابداً در این نشریات صلاح نبوده است و اینها در جواب گفتند که ما آمریکائی‌ها در تشکیل این انجمن مقصود اصلی که در نظر داریم مساعدت با ایران است. [...] خلاصه [...] روسای انجمن قول دادند که بعد از این، مطالب راجع به ایران را بدون اطلاع و مشورت بنده اقدام نمایند.»^۳

۱. همان، ص ۱۲.

۲. همان.

۳. گزیده اسناد، صص ۳۱۲ و ۳۱۳.

به نظر می‌رسد سؤال وزارت امور خارجه از علی‌قلی خان در مورد فعالیت تربیتی پیرامون جمع‌آوری اعانه برای قحطی زدگان غرب ایران، به دلیل وجود شایعاتی در تهران در مورد اختلاس اعانه‌های گردآوری شده توسط آن انجمن، بوده است. علی‌قلی خان در ادامه گزارش خود تلاش می‌نماید چنین شائبه‌ای را رفع کند. او می‌نویسد:

«این بنده نمی‌تواند در مقابل وزارت خارجه خود را مسئول اعمال این انجمن نداند زیرا همه آمریکایی و چند نفر از اعضای جدید هم که وارد شده‌اند همه از مردمان متشخص و خانم‌های محترمه می‌باشند و اینکه پاره‌ای نسبت‌ها در این کار از قبیل حیف و میل به آنها داده‌اند، اشهد بالله خلاف عرض کرده‌اند زیرا این اشخاص اولاً این مبلغ را از خودشان دادند و دفتر اعانه هم باز نکردند و ثانیاً به قدری این‌گونه حرکات در این مملکت و به خصوص در نظر این اشخاص قبیح است که چاکر از شرح آن عاجز است و این که به عرض رسانده‌اند که [ایرانیان مقیم] واشنگتن این اقدامات را کرده‌اند لازم است خاطر اولیای آن وزارت جلیله را مستحضر دارد که ایرانیان واشنگتن مختصر است به این بنده و میرزا علی‌اکبرخان که در سفارت هستیم و میرزا احمدسهراب که فقط ایرانی است در انجمن تربیتی ایران و آمریکا و مبلغی که اعضای این انجمن از خود فرستاده‌اند فقط ۶۰۰ دلار بوده است و اینها هم مردمان صحیح و درستی می‌باشند. گمان دارم مطالبی را که به عرض فرستاده‌اند، اشتباهاً عرض کرده‌اند و مخصوصاً از انجمن خواستم که در ارسال این ۶۰۰ دلار نیز توضیحات لازمه نوشته و ارسال دارند که از نظر مبارک بگذرد. با این که توسط وکیل خودشان دکتر مودی آن وجه را به تهران فرستادند [ولی] برحسب امر مبارک بعد از این بیشتر مراقبت خواهند نمود که من بعد چنین حادثه‌ای اتفاق نیفتد و انجمن صلیب احمر نیز گویا برای هم‌دندان مبلغ ۵۰۰ دلار دیگر فرستاده بودند یعنی به وسایل شخصی خودشان و انجمن تربیتی چندی قبل ذکر آن را نمودند ولی توضیحاً اطلاعی ندارم، هر وقت معلوم شد به عرض خواهیم رساند که صحت دارد یا نه. الان دو فقره مکتوب در این باب از انجمن تربیتی راجع به اقدامات خود انجمن و صلیب احمر رسیده [که] لفاً تقدیم می‌نمایم.»

بدین ترتیب موضوع کمک انجمن تربیتی ایران و آمریکا به قحطی زدگان غرب ایران، نتیجه‌ای در حد کمک اعضاء و نه جمع‌آوری اعانه عمومی را به همراه داشت. اما موضوع دوم مورد اشاره در گزارش اوایل ربیع‌الاول ۱۳۳۰ قمری که در جریده چهره نما چاپ شد، یعنی تشکیل جلسه کنفرانس تربیتی در ماه آوریل ۱۹۱۲ [اواخر ربیع‌الثانی ۱۳۳۰ قمری]، به کجا انجامید؟

با توجه به این اینکه در گزارش علی‌قلی‌خان (جمادی‌الثانی ۱۳۳۰ قمری) هیچ اشاره‌ای به تشکیل چنین کنفرانسی نشد، به نظر می‌رسد اصولاً چنین کنفرانسی تشکیل نشده باشد به دلیل اینکه در صورت تشکیل، مسلماً اخبار و گزارشات آن در جراید به چاپ رسیده و شارژ‌دافر ایران در واشنگتن هم در مورد آن گزارش به تهران می‌فرستاد. در واقع گزارش جمادی‌الثانی ۱۳۳۰ قمری، آخرین گزارشی است که در مورد فعالیت انجمن تربیتی در دسترس نگارنده بود ولی از سویی دیگر موضوع جالب توجهی در این میان وجود دارد برای مشخص شدن این موضوع ابتدا بخش پایانی گزارش ربیع‌الاول ۱۳۳۰ قمری، آنگاه که گزارشگر

مزبور فعالیت انجمن تربیتی در مورد گردآوری اعانه برای قحطی زدگان غرب ایران توضیح می‌دهد را می‌خوانیم. گزارشگر مزبور در انتهای گزارش خود نوشت: «قرب دو ماه بود از اغلب ولایت بزرگ آمریکا خصوصاً نیویورک، واشنگتن و شنکاپوره و..... برای تشریف آوردن حضرت میرزاعباس افندی عبدالیها رئیس فرقه بهائی‌ها به آمریکا اجتماعات بود و دعوات تلگرافی می‌شد و آخر قرار داده شد چند نفر را انتخاب کرده و به اسکندریه مصر روانه دارند. پس از انتخاب و عزم حرکت آنها به قطر مصری و تلگراف حرکشان آن وقت جواب امیدواری رسید که خواهم آمد حالا باید منتظر شد که آمریکائی‌ها در ورود او چه خواهند کرد چه از اتباع او و چه از غیره»^۱

در سفر عباس افندی عبدالیهاء از مصر به آمریکا و بازگشتن او به فلسطین، احمدسهراب اصفهانی خزانه‌دار انجمن تربیتی و کسی که اغلب گزارش‌های موجود از آن انجمن نوشته اوست، با عباس افندی همراه بود.^۲ پس از ورود عباس افندی به آمریکا او سخنرانی‌های مختلفی در آن کشور داشت، از جمله گزارشی از آنها که با عنوان «دیلین آمریکا» در جریده چهره نما چاپ شد. در خلال این گزارش اشاره به فعالیت انجمن روابط شرق و غرب و نیز احمدسهراب شده و آمده است: «مسئله مظلومی ایرانیان و صدمات ناحقه‌ای که به ایران از زمان بیرون آمدن مستر شوستر همه روزه وارد آمده و می‌آید به تدریج چشم و گوش آمریکائی‌ها را پر کرده و از بدبختی [اینکه] چنانچه رویه متمدنین این عصر است حقر اطراف قوه قرار می‌دهند. ایرانیان این سامان و انجمن ارتباط شرق و غرب هم صدایشان ناراست ولی باز کوشش دارند و لااقل از مظلومیت طاقت فرسای همجواران ایران که روس و انگلیس باشند دفاع می‌نمایند [....] امروز دو هفته است [عبدالیهاء عباس افندی] با شش نفر از ایرانیان که در حضورشان هستند همچون دکتر امین‌الله فرید و آقا سیداسدالله و میرزا محمود زرقانی و میرزا علی‌اکبر نخجوانی و میرزا ولی‌الله‌خان تهرانی و میرزا احمدسهراب [اصفهانی] در محل ییلاق در منزل مستر و میس جفری پارسنز تشریف دارند.»^۳

گزارش مزبور که در شماره اول شوال ۱۳۳۰ قمری جریده چهره نما مصر چاپ شد احتمالاً (با توجه بعد مسافت و مشکلات پست در آن زمان) می‌باید حدود اواسط شعبان ۱۳۳۰ قمری تهیه شده باشد. این زمان مصادف است با اواخر اوت ۱۹۱۲ (اواخر مرداد ۱۲۹۱) به عبارتی دیگر پس از جمادی‌الثانی ۱۳۳۰ قمری که دیگر گزارشی از فعالیت انجمن تربیتی در دست نیست، فعالیت انجمن ارتباط شرق و غرب آغاز می‌شود و احتمالاً این فعالیت نیز همزمان به حضور عبدالیهاء عباس افندی در آمریکا است. آیا می‌توان از دو گزاره فوق نتیجه گرفت که علت شروع فعالیت انجمن ارتباط شرق و غرب و افول فعالیت تربیتی ایران و آمریکا چیزی جز حضور عباس افندی در آمریکا نبود. احتمالاً او توانست زمینه مساعد را در یک دست سازی محافل بهائی آمریکا جهت شروع شکل جدیدتری از فعالیت، فراهم آورد و بدین ترتیب ایده‌ای که

۱. جریده چهره نما، ش ۵، س ۹، ۲۰ ربیع‌الثانی ۱۳۳۰ قمری، ص ۱۲.

۲. کریم منفرد، بهائیت پیشگام در ترویج فرهنگ آمریکائی در ایران، فصلنامه تاریخ معاصر ایران، ش ۵۰، س ۱۳، تابستان ۱۳۸۸، ص ۷۱.

۳. جریده چهره نما، ش ۱۵، س ۹، غره شوال ۱۳۳۰ قمری، ص ۱۰.

از اواسط ۱۹۱۰ د رنزد برخی گردانندگان انجمن تربیتی وجود داشت، دو سال بعد و در اواسط سال ۱۹۱۲ به فعلیت رسید. به هر روی این یک فرضیه‌ای در مورد انجمن ارتباط شرق و غرب و رابطه آن با انجمن تربیتی ایران و آمریکا است که تکمیل، سنجش و اعتبار آن منوط به وجود اسناد و گزارش‌های دیگری است که امید است در آینده در دسترس نگارنده قرار گیرد.

علی‌قلی‌خان نبیل‌الدوله و انجمن تربیتی ایران و آمریکا

در مقاله حاضر تلاش شد سیری از فعالیت‌های انجمن تربیتی بیان شود، نقد و بررسی این فعالیت‌ها نیاز به فرصت دیگر دارد که در حوصله این نوشتار نمی‌گنجد علیرغم این موضوع خود را از بیان یک نکته بسیار جالب نمی‌توانم معاف دارم و آن نکته رابطه علی‌قلی‌خان نبیل‌الدوله با انجمن تربیتی و آمریکا است. علی‌قلی‌خان ضرابی نبیل‌الدوله یکی از وابستگان به محافل بهائی بود؛ از او به عنوان بهائی - فراماسون یاد می‌شود.^۱ در مقاله‌ای با عنوان «نبیل‌الدوله کاردار بهائی - ماسون سفارت ایران در آمریکا اشارت زیادی به فعالیت علی‌قلی‌خان در سمت شارژدافری سفارت ایران در آمریکا شده است.^۲ به نوشته نشریه آهنگ بدیع ارگان جوانان بهائی ایران: «میرزا علی‌قلی‌خان نبیل‌الدوله از جمله مشاهیر امر [فرقه بهائیت] است که در خدمات دولتی نیز به مدارج عالیّه نائل شده و علاوه بر عضویت هیأت نمایندگی ایران در کنفرانس صلح ورسای، به مقام سفارت دولت شاهنشاهی ایران در ایالات متحده آمریکا رسیده است.»^۳

موضوع بحث در اینجا بهائی یا فراماسون بدون یا نبودن علی‌قلی‌خان نیست، موضوع این است که او در طی مدت فعالیت انجمن تربیتی، منتقد سرسخت آن انجمن بود. اسناد موجود که حاوی نامه‌هایی از علی‌قلی‌خان به وزارت امور خارجه ایران است نشان دهند. تلاش وی برای تضعیف و تخریب فعالیت انجمن تربیتی و رابطه آن با وزارت خارجه، است. برای درک هر چه بیشتر موضع‌گیری علی‌قلی‌خان در برابر انجمن تربیتی، مناسب است نخست مروری نامه ۲۷ رجب ۱۳۲۸ قمری وزارت امور خارجه ایران در مورد انجمن تربیتی داشته باشیم. در آن تاریخ علی‌قلی‌خان هنوز پست خود در واشنگتن را تحویل نگرفته بود. او در ربیع‌الثانی ۱۳۲۸ قمری به نیابت اول سفارت ایران در واشنگتن منصوب شد.^۴ علی‌قلی‌خان در نامه مورخ ۱۵ اوت ۱۹۱۰ (۲۴ مرداد ۱۳۲۸ / ۲۹ رجب ۱۳۲۸ قمری) از روی کشتی به وزارت خارجه گزارش داد که هنوز به آمریکا نرسیده است.^۵ بنابراین نامه وزارت خارجه خطاب به انجمن تربیتی ایران و آمریکا قبل از آن روز بود. در بخشی از آن نامه می‌خوانیم: «نیات حسنه مؤسسین این انجمن که حاکی از مراتب ایران دوستی و

۱. موجانی، همان، ص ۱۴۶.

۲. سیدرضا هاشمی، نبیل‌الدوله کاروار بهائی، ماسون سفارت ایران در آمریکا، فصل‌نامه مطالعات تاریخ معاصر، ش ۵۰، ص ۱۳، تابستان ۱۳۸۸، صص ۱۱۵ - ۱۶۱.

۳. به نقل از منبع فوق، ص ۱۱۵.

۴. سیدرضا هاشمی، همان، ص ۱۱۷.

۵. گزیده اسناد، همان، ص ۱۸۲.

معارف‌پروری آنها بود باعث کمال مسرت و موجب بسی خوشوقتی و امیدواری است. واقعاً همین است که نوشته‌اید. امروز تنها وسیله وصل ایرانیان به نقطه مقصود، همان نشر معارف و توسعه مدارس است که از چندی قبل به این طرف اولیای امور در صدد تکثیر و ازدیاد آن برآمده و امیدواری حاصل است که با همت وطن‌پرستان غیور و معارف‌خواهان ایران دوست، عنقریب به سرچشمه واصل شویم. گاهی اوقات از مطالب سودمند و اقدامات خیرخواهانه آن انجمن محترم به وزارت خارجه بنویسید.»^۱

آن زمان حدود هفت ماه از آغاز رسمی کار انجمن تربیتی و حدود یک سال از شروع فعالیت مؤسسين آن برای تأسیس آن انجمن می‌گذشت؛ ولی با ورود علی‌قلی‌خان به سفارت ایران در واشنگتن لحن وزارت خارجه ایران و نیز گزارش‌های علی‌قلی‌خان در باب آن انجمن به کلی تغییر کرد. در ۱۰ جمادی‌الاول ۱۳۲۹ قمری در پاسخ به استعلام وزارت امور خارجه در مورد انجمن، علی‌قلی‌خان نوشت: «در دو سال قبل میرزا احمد نام سهراب اصفهانی که چندی است در آمریکا به همراهی چند نفر آمریکائی در صدد تأسیس انجمنی برآمدند که در آمریکا پول جمع نمایند و به تهران به یکی از مدارس روانه دارند تا خرج تربیت اطفال معدودی از قرار سالی هجده تومان برای هر شاگرد شود و اسم این را (انجمن تربیتی ایران و آمریکا) گذاشته. چون در مرامنامه این انجمن شاید خیلی از گدائی و پریشانی اطفال ایرانی ذکر کرده بودند و چنین وانمود کردند که گویا اطفال ایرانی متعلق صدقه هستند بنده از اول به این انجمن همراهی نکردم و پارسال^۲ هم در تهران هر جا ذکر این انجمن را شنیدم اشخاص از این گونه ذکرها ناراضی بودند. در این دو سال این انجمن فقط شش صد هفتصد دلار پول جمع کرده به ایران فرستاد. اشخاص این انجمن اگرچه دوستی با ایران را اظهار می‌کنند و میل همراهی دارند معذالک اهمیت علمی، شخصی و مذهبی ندارند. یعنی در صورتی که چنین انجمنی در تحت ریاست این گونه اشخاص است با اینکه ایران دوست هستند معذالک ممکن نیست اشخاص سرمایه‌دار متمول آمریکائی به واسطه این انجمن و روسای آن نظرشان جلب به جانب ایران بشود و از طرف دیگر این شخص ایرانی و دیگران که حال اسم آن انجمن را به اسم (انجمن اتحاد شرق و غرب) تغییر داده‌اند، مرامنامه و قانون نامه‌ها به جای تهران فرستاده‌اند که در آن جراید طبع شده و به وزارت خارجه هم اطلاع داده‌اد.^۳ به ملاحظاتی که عرض شد چندان اهمیت دادن در ایران از طرف دولت یا جراید به این انجمن به نظر بنده صلاحیت ندارد زیرا مثل این خواهد بود که ایران به مطالب این انجمن‌ها راجع

۱. همان، ص ۱۷۷.

۲. قبلاً گفته شد که علی‌قلی‌خان در روزهای پایانی رجب ۱۳۲۸ قمری وارد آمریکا شد. احتمالاً اشاره او به پارسال، ایام مدت حضور او در تهران است که انجمن تربیتی هم فعالیت داشت و این زمان باید در حدود ماههای ذی‌حجه ۱۳۲۷ قمری - جمادی‌الاول ۱۳۲۸ قمری باشد.

۳. عجیب است نخستین کنفرانس عمومی انجمن تربیتی ایران و آمریکا در روزهای ۱۶-۱۸ جمادی‌الاول ۱۳۲۹ قمری یعنی تنها شش روز پس از نگارش نامه فوق در همان شهر (واشنگتن) و همراه یا با تبلیغات زیادی برگزار شد؛ آیا علی‌قلی‌خان باز هم از تغییر نام آن انجمن سخن می‌گوید؛ جالب است که او در نامه دیگری به همان تاریخ ۱۰ جمادی‌الاول ۱۳۲۹ قمری به وزارت امور خارجه ضمن خبر از برگزاری کنفرانس فوق‌الذکر باز هم تأکید بر تغییر نام مزبور می‌کند، در حالی که اعلان‌های کنفرانس مزبور، صراحتاً با نام انجمن تربیتی ایران و آمریکا است.

به اطفال ایران تصدیق نماید لهذا فقط امتنان ظاهری از طرف ایران کافی خواهد بود.^۱
 ده روز بعد یعنی در ۲۰ جمادی‌الاول ۱۳۳۹ قمری، هنگامی که هنوز چند روز از برگزاری کنفرانس عمومی انجمن تربیتی ایران و آمریکا در واشنگتن نمی‌گذشت، علی‌قلی‌خان گزارش مفصلی در مورد آن انجمن به وزارت امور خارجه ایران ارسال کرد که حاوی انتقادات فراوانی از آن انجمن مزبور بود. در آن نامه می‌خوانیم: «از قراری که چند روز قبل عرض شد چند نفر آمریکایی‌های طبقه متوسط که اهمیت و معروفیتی تجاری یا علمی و یا منصبی ندارند^۲ به اتفاق یک جوان ایرانی موسوم به میرزا احمد اصفهانی (سهراب) که چند سال است در آمریکا است، تشکیل یک انجمن نمودند. از ابتدای تأسیس این حضرات با بنده مشاوتی نکردند تا اینکه پارسال که بنده تهران آمدم کتابچه پروگرام چاپی آنها به تهران رسید و نظام‌نامه‌ای با آب و تاب نوشته نزد جراید تهران فرستادند و جراید هم بدون اینکه در خصوص اهمیت یا حیثیت آن تحقیقاتی به عمل آرند آن را طبع و نشر داد. و همه قسم تمجید نمودند ولی بنده که کتابچه آنها را دیدم معلوم شد از نطق یک جوان آمریکایی که ایران آمده و در مراجعت آمریکا نمود و ذکر پریشانی اطفال ایران را نموده بود. این حضرات در کتابچه خود طبع کرده بودند که به وسیله آن مردم آمریکا را متوجه به طرف اطفال ایران نمایند، غافل از این که ما به توهین اطفال ایران خواهد شد. چنانچه بعضی‌ها در تهران از این ترتیب شکایت کردند و حتی روسای مدرسه تربیت شکایت داشته از این که این انجمن سبب خفت آنها شد.^۳»

جمع‌بندی

در ادامه نامه مفصل فوق باز هم اقدامات انجمن مورد نقد علی‌قلی‌خان قرار می‌گیرد. آیا چنین عملکردی از او، نشانه وجود پاره‌ای حساسیت‌ها و رقابت‌ها بین محافل بهائی آمریکائی با یکدیگر نیست؟ و اگر این نکته را بپذیریم می‌توانیم به این احتمال برسیم که وجود چنین حساسیت‌هایی باعث شد علیرغم اینکه گردانندگان انجمن تربیتی ایران و آمریکا از اواسط سال ۱۹۱۰ در اندیشه گسترش فعالیت آن انجمن و تبدیل آن به یک انجمن گسترده بین‌المللی بودند، نتوانند به فکر خود جامه عمل پوشانده و تنها پس از ورود عباس افندی‌بهاء‌الله در سال ۱۹۱۲ به آمریکا بود که حساسیت‌های مزبور از بین رفته و زمینه برای تغییر نام و تبدیل انجمن تربیتی به انجمن ارتباط شرق و غرب فراهم شد و بدین ترتیب احتمالاً در همان زمان فعالیت انجمن تربیتی ایران و آمریکا به پایان رسید.

۱. مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، سند شماره ۱۷۰۲۰۱۲۰۲۹۰۰۰۲۱۶۰.

۲. از خاطر نبریم در کنفرانس عمومی انجمن تربیتی ایران و آمریکا (جمادی‌الاول ۱۹۱۱) وزیر معارف ایالات متحده، سناتورهای مجلس سنا آن کشور سخنرانی کردند.

۳. گزیده اسناد، ص ۲۳۳.